مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نگارش: فضل‌الرحمن فاضل ۲۰۲۲/۰۲/۰۹

رِفاعه طهطاوی؛
نبشته ها و اندیشه ها
(بخش دوم)

برای مطالعۀ بخش اول لطفاً اینجا کلیک کنید

2. اندیشه ها و فعالیت های اجتماعی و سیاسی

2-1. دیدگاه ژرف به تمدن غربی:

در بخش نخست اشاره کردیم که طهطاوی در همان روزی تولد یافته بود که نیروهای اشغالگر فرانسه سرزمین مصر را ترک کرده بودند. لابد طهطاوی از بزرگان خانواده و از استادانش راجع به دوران اشغال سه‌ساله فرانسه چیزهایی شنیده بود. اشغال فرانسه اگر از یک طرف چهرۀ خشن استعمار را به مردم آزادۀ مصر نمایاند، از طرف دیگر با تمدن و پیشرفت، صنعت چاپ و ساخت اسلحه و سایر پیشرفت‌هایی که غرب به آن مسلح بود و خاور اسلامی و مصریان از آن بی‌بهره بودند، آشنا ساخت.

طهطاوی مانند سایر مصریان باسواد از نخستین منشور بوناپارت ناپلیون [1]- 1769-1821م - که در میان مصریان به این عبارات نشر و پخش گردید، آگاه بود که : «إن جميع الناس متساوون عند الله و أن الشيء الذي يفرقهم عن بعضهم هو العقل والفضائل و العلوم فقط» *(عمارة ،2010،ج1 : 20)*. «همه مردم در برابر خدا مساوی‌اند و یگانه چیزی که برخی را از برخ دیگر امتیاز می‌بخشد خِرد و فضائل و دانش است.»

بنا بر این وقتی که او به فرانسه رفت، در تلاش آن بود تا راز پیشرفت غرب و راز عقب‌ماندگی شرق و جهان اسلام و زادگاهش مصر را درک کند و در راه ترقی و پیشرفت سرزمینش، نقش ایفا کند. از همین رو، تماس با جهان غرب را ، مقناطیسی می‌دانست که سود همگانی را برای جامعه ارمغان می‌آورد. او در کتابش «مناهج الألباب» تماس با غرب را این‌گونه سودمند خواند: «إن مخالطة الأغراب، لاسيما إذا كانوا من أولى الألباب، تجلب للأوطان المنافع العمومية العجب و العجاب» *(عمارة،2010،ج1: 499)*.

«تماس و داد و ستد با غربیانی که از جمله خردمندان باشند، بر ای میهن، سود همگانی و شگفتی‌های[غیرقابل تصور] به ارمغان می‌آورد.»[2]

رفاعه طهطاوی در حالی که مستشرقان را به‌مثابه دانشمندانی که در زبان عربی و علوم اسلامی تحقیقات ژرفی انجام داده‌اند و به «دقائق و اسرار زبان عربی» پی‌بردند، می‌ستاید و از این‌که در شرق، فقط به علوم شرعی اهتمام صورت می‌گیرد و علوم دیگر ترک می‌شود، مورد نقد قرار داده و از علمای غرب چنین نقل قول می‌کند که «إنهم لايعرفون غير شريعتهم ولسانهم يعنى ما يتعلق باللغة العربية»[3].«مسلمانان جز شریعت خود و زبان خویش یعنی آنچه به‌زبان عربی ارتباط می‌گیرد، دیگر چیزی را نمی‌دانند.» رفاعه در حالی‌که این واقعیت تلخ را می پذیرد، در سفرنامه اش «تخليص الإبريز»[4] می‌گوید: «فلذلک احتاجت إلى البلاد الغربية في كسب ما لاتعرفه». «از همین‌رو شرق به کشورهای غربی نیازمند است تا آنچه را که نمی‌داند، به‌دست بیاورد.»[5]

---

[1]- Napoléon Bonaparte

[2]) کتاب مناهج الألباب المصرية فی مباهج الآداب العصرية، باب سوم ، فصل سوم ، ص 499

[3]) مقدمهء تخليص الإبريز ص 23

[4]) «تخليص الإبريز فی تلخيص باريز» برای نخستین بار در زمان محمد علی پاشا در سال 1250 هجری قمری در مطبعهء " بولاق" در قاهره به چاپ رسید و همین مطبعه آن را 15 سال بعد درسال 1265 هجری قمری در اواخر عهد محمدعلی پاشا تجدید چاپ کرد که اهمیت آن را در دربار مصر آفتابی می‌کند و بعدها چاپخانهء «التقدم» قاهر ه آن را در سال 1905 م (1323 ق) به چاپ رساند. اهمیت این کتاب از آنجا پیداست که پنج سال بعد از چاپ نخست در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

او در سفرنامه‌اش با نگاه مثبتی که در مورد تمدن و پیشرفت دارد، برخلاف معاصرانش که مردم را به «کافر» و «مؤمن» تقسیم می‌کردند، او مردم جهان را به سه طبقه تقسیم می‌کند: 1. بی‌کاره‌ها و وحشیان؛ 2. بربری‌های خشن و درشت‌خو؛3. مردم اهل ادب، ظرافت، شهرنشینی و تمدن. *(عمارة ، 2010،ج1 : 22).*
طهطاوی با مطالعاتی که دارد در دهه سوم قرن نزدهم میلادی مردم سودان را در مرتبهٔ نخست، اعراب بادیه‌نشین را در مرتبه دوم و اهالی شام ، مصر، یمن ، فارس، فرنگ و سایر ملت‌هایی را که تمدن و صنعت و حرفه و قوانین مدون دارند و توانایی سفر از طریق دریاها را دارا می‌باشند؛ در مرتبهٔ سوم جای می‌دهد.
او کشورهای فرنگی را این‌گونه می‌ستاید: «والبلاد الإفرنجية، مشحونة بأنواع المعارف و الآداب التی لاینکر إنسان أنها تجلب الأنس وتزين العمران»[6]. «شهرهای فرنگ مشحون از اقسام دانستی‌ها و آدابی است که انسان نمی‌تواند انکار کند که آن دانستی‌ها انس را جلب می‌کند و آبادی را زینت می‌بخشد». او می‌افزاید که فرنگیان راه‌های توفیر و پس‌انداز را می‌دانند حتی این‌که موضوع توفیر را در کتاب‌هایی تدوین داشته و آن را دانشی در جمله دانش‌ها قرار داده‌اند.
طهطاوی در ایام اقامت در پاریس باربار به‌دیدن تالارهای نمایش‌نامه‌ها رفته و از دیدن هر نمایش‌نامه، حظ برده و درسی اندوخته است و تالارهای نمایشگاه‌ها و ترتیب چیدن چوکی‌ها و ستیژ نمایشگاه‌ها را در سفرنامه‌اش «تخليص الإبريز» با دقت وصف کرده و به‌تصویر کشیده و برای هم‌میهنانش در مورد چنین گفته است: «والتياتر عندهم كالمدرسة العامة يتعلم فيها العالم و الجاهل ويتعلقون بالحرية». تئاتر نزد فرانسوی‌ها مثل دبستان و آموزشگاهی است که در آن باسواد و بی‌سواد می‌آموزند و [با تماشای نمایش‌نامه‌ها] به آزادی و عدالت، تعلق خاطر بیشتر پیدا می‌کنند.
او در سفرنامه اش از وفرت کتابخانه‌ها در پاریس یاد می‌کند و می‌خواهد این عادت نکو در میان هم‌میهنانش رواج پیدا کند. طوری که می‌گوید: « لكل إنسان من العلماء او الطلبة او الأغنياء خزانة كتب على قدر حاله، ويندر و جود إنسان بباريس من غير أن يكون تحت ملكه شيء من الكتب؛ لما أن سائر الناس تعرف القراءة و الكتابة..» *(شیال،2019 :14)* هر شخص اعم از دانشمند، دانشجو یا ثروتمند به قدر توانش کتابخانه‌ای دارد، و به ندرت شخصی را می‌توان یافت که او مالک کتاب‌هایی نباشد، با در نظر داشت اینکه همهٔ مردم خواندن و نوشتن را یاد دارند.

2-2. ترجمه قانون فرانسه:

یکی از کارهای مهم طهطاوی ترجمه قانون فرانسه و شرح آن و جادادن این قانون در متن سفرنامه‌اش است.طهطاوی در سفرنامه‌اش می‌نویسد قانونی که ملت فرانسه به آن عمل می‌کند و آن را اساس سیاست خویش قرار داده است، توسط پادشاهشان «لویی هژدهم» تألیف گردیده است و تاکنون [1831م سال تألیف کتاب] مورد عمل است و هیچ خردمندی نمی‌تواند انکار کند که بر عدل و داد استوار است.
کتابی که این قانون در آن آمده است «شرطه»[7] نامیده می‌شود که در زبان لاتینی به‌معنای ورق است. سپس از روی مدارا و تساهل بر هر سجل مکتوبی که در آن احکامی قید شده باشد، اطلاق گردیده است. *(عمارة ،2010 ، ج2: 116).*
طهطاوی افزون بر ترجمه کامل قانون‌اساسی 74 ماده‌ای فرانسه و شرحش، در مواردی آن را با شریعت اسلام نیز مقایسه و مقارنه می‌کند و حتی برای این‌که همه اهالی مصر اگرچه سطح سوادشان بالا نباشد و از آن برداشت درست و دقیق کنند، واژه‌هایی را هم به گویش عامی مصری ترجمه می‌کند؛ تا سود آن همگانی گردد. از جمله مادهٔ نخست آن را این‌گونه ترجمه می‌کند: «سائر الفرنساوية مستوون قدام الشريعة» *(عمارة،2010،ج2: 117)*؛ یعنی همه فرانسوی‌ها در برابر قانون برابرند. و در شرح آن می‌نویسد:
«سائر من يوجد فی بلاد فرانسا من رفيع ووضيع لايختلفون فی إجراء الأحكام المذكورة فی القانون، حتى أن الدعوة الشرعية تقام على الملِك، وينفذ عليه الحكم كغيره فانظر إلى هذه المادة الأولى فإنها لها تسلط عظيم على إقامة العدل و إسعاف المظلوم وإرضاء خاطر الفقير بأنه العظيم نظراً إلى إجراء الأحكام ولقد كادت هذه القضية أن تكون من جوامع الكلم عند الفرانساوية...وما يسمونه الحرية و يرغبون فيه عين ما يطلق عندنا العدل والإنصاف، ولذلک لأن

عهد محمد علی پاشا، توسط رستم افندی تحت عنوان «سفارت نامهء رفاعه بیک » به زبان ترکی ترجمه شد و در سال 1255 هجری قمری از طرف مطبعهء «بولاق» به چاپ رسید.

[5]) همان ، ص 23

[6]) مقدمهء تخليص الإبريز ص 22

[7]) شمار زیادی گمان می‌برند که واژهء "مشروطیت" در افغانستان و ایران از ریشهء "شرط" عربی گرفته شده است؛ اما این برداشت و فهم دقیق نمی‌باشد و شاید هم این واژه ارمغانی باشد از رفاعه طهطاوی که این مفهوم را با ترجمهء قانون اساسی فرانسه از واژه« La charte » به جهان عرب و ترکیه عثمانی انتقال داد و از آنجا به افغانستان و ایران رسید. زیرا سفرنامه اش در سال 1834 م در قاهره چاپ شد و چند سال بعد در 1839 م به نام «سفارت نامهء رفاعه بیک» به زبان ترکی ترجمه و به چاپ رسید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ

معنی الحکم بالحریة هو إقامة التساوی فی الأحکام و القوانین بحیث لایجور الحاکم علی إنسان» *(عمارة، 2010 ،ج2: 125)*. «همه کسانی که در فرانسه زندگی می‌کنند اعم از گران‌مایه و فرومایه در اجرای احکام قانون باهم اختلاف ندارند؛ حتی این‌که دعوای قانونی بر پادشاه نیز اقامه می‌گردد و مثل دیگران بر او نیز تطبیق می‌یابد. مثلا به‌همین ماده نخستین دقت کنید که از فحوای آن قدرت بزرگی بر برپاداری عدالت و یاری و مددگاری ستم رسیده و ارضای خاطر مستمند، محسوس است، و به انسان فقیر این افاده را می‌دهد که در اجرای احکام قانون، او نیز مثل دیگران شخصیت بزرگی است و این قضیه از وجیزه‌های قابل استناد در فرانسه به‌شمار می‌رود...و آن‌چه فرانسوی ها «آزادی» می‌خوانند، عین آن چیزی است که ما در زبان و محیط خود، عدل و انصاف می‌خوانیم، از همین‌رو، هدف از حکم به آزادی، برپا داشتن برابری در احکام و قوانین میان همه است و این باعث شده است تا فرمانروا بر هیچ انسانی، ستم روا ندارد.»

طهطاوی در سفرنامه‌اش بعد از درج مزایای قانون‌اساسی فرانسه چنین نتیجه می‌گیرد: «...وإن کان غالب ما فیه لیس فی کتاب الله ولا فی سنة رسوله صلی الله علیه وسلم لتعرف کیف قد حکمت عقولهم بأن العدل والانصاف من أسباب تعمیر الممالک وراحة العباد وکیف انقادت الحکام والرعایا لذلک حتی عمرت بلادهم وکثرت معارفهم وتراکم غناهم وارتاحت قلوبهم، فلا تسمع فیهم من یشکو ظلما أبدا،والعدل اساس العمران...»[8]. «اگرچه اکثر مندرجات قانون فرانسه همان است که ما آن را در کتاب خدا و سنت فرستادهٔ خدا صلی‌الله علیه وسلم نمی‌یابیم، اما باید دانست که چگونه ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که برابری و انصاف از عوامل آبادی سرزمین‌ها و آرامش بندگان خدا است و چگونه فرمانروایان و شهروندان به آن سر تسلیم نهادند و از محتویات آن فرمان بردند و این فرمانبری سبب شد تا شهرهای شان بیشتر آباد گردد، دانستی‌های‌شان افزونی یابد و ثروت‌شان متراکم‌تر و قلب‌های‌شان به‌آرامش دست یابد. از همین‌رو، تو در میان ایشان از کسی نمی‌شنوی که از ستمی شکایت کند و عدالت شالوده آبادانی است.»

طهطاوی بار بار به قضیه عدل و آزادی و انصاف در فرانسه می‌پردازد؛ گویی به‌گونه غیرمستقیم هم‌میهنانش را به بیداری و مبارزه در برابر ظلم و اجحاف و استبداد تشویق می‌کند. او در جایی از سفرنامه‌اش بعد از این که یادآور می‌شود عدالت و برابری اساس همه چیز را در فرانسه تشکیل می‌دهد، می‌افزاید: «فلا تطول عندهم ولایة ملِک جبار و لا وزیر أشتهر بینهم أن تعدی مرة و جار!!.». «از همین‌رو در فرانسه، مدت زمامداری پادشاه ستمگر به‌طول نمی‌انجامد و نه سلطه آن وزیری که به ظلم و ستم شهرت یافته باشد، ادامه می‌یابد».

2-3. وطن‌دوستی:

طهطاوی در سفرنامه‌اش «تخلیص الإبریز» از حس وطن‌دوستی مردم فرانسه یادآور می‌شود که فرانسوی‌ها در مسائل سیاسی مثل دیگران اختلاف دیدگاه دارند؛ اما همه بر وطن‌دوستی – حب‌الوطن - متفق‌اند و می‌افزاید: «حتی أنهم یلقون أنفسهم فی المهالک لمصلحة تعود علی أوطانهم». «حتی ایشان به‌خاطر مصلحتی که به میهن‌شان بر می گردد، خویشتن را در تهلکه می‌افکنند». او در کتاب مشهور دیگرش «المرشد الأمین» باب چهارم آن را به «میهن، تمدن و تربیت» اختصاص داده، راجع به میهنش مصر می‌نویسد:

«لایشک أحد أن – مصر - وطن شریف، إن لم نقل أنها أشرف الأمکنة، فهی أرض شرف والمجد فی القدیم والحدیث وکم ورد فی فضلها آیات بینات وآثار وحدیث...» *(عمارة،2010،ج2: 453)*. «کسی در این شک ندارد که مصر میهن شریفی است، اگر ما ادعا نکنیم که شریف‌ترین جاها [در سراسر این گستره خاکی] است. مصر سرزمین نجابت و بزرگی در گذشته و حال بوده و در فضل و برتری‌اش شماری از آیات آشکار، روایات و حدیث وارد شده است». او انسان نیک‌بخت کسی را می‌داند که حتی برای دور کردن بدی و شر از میهنش، زیان بر خویشتن را با جبین کشاده استقبال می‌کند، جایی‌که می‌گوید: «ما أسعد الانسان الذی یمیل بطبعه لإبعاد الشر عن وطنه ولو بإضرار نفسه». «چه‌قدر خوشبخت است انسانی که طبیعتا بر دور کردن شر و مصیبت از میهنش میلان دارد، اگرچه به‌زیان خودش هم منجر گردد».

رفاعه طهطاوی در حالی که در آثار گوناگونش بر وطن‌دوستی ترکیز دارد؛ اما آیین برتر اسلام را سبب وحدت و یک‌پارچگی عرب‌ها می‌داند و در بت‌پرستی یا آیین پیشین عرب‌ها نقطه ظریفی را کشف و این‌چنین یادآور می شود: «الأصنام المتعددة تعکس فیها التشتت القومی...». «وجود بت‌های متعدد [به‌مثابه خدایان متعدد هر قبیله عربی] تشتت و پراگندکی قومی را در میان عرب‌ها انعکاس می‌دهد».

رفاعه طهطاوی افزون بر وطن‌دوستی، به حق «شهروندی» نیز در آثارش اشاراتی دارد که از آن به «المنافع العمومیة» - سود همگانی یا عامه - تعبیر می‌کند و آن براساس آزادی، برادری و برابری میان ساکنان سرزمین واحد، استوار است.

او که در میان کتاب‌های درسی خلأی وجود کتابی را که حس وطن‌دوستی را در مردم پدید آورد، متوجه می‌شود و می‌بیند که در این مورد دانشجویان کتابی برای مطالعه ندارند، او کتاب «مباهج الألباب المصریة فی مناهج الآداب العصریة» را تألیف می‌کند و نمونه‌هایی از آثار تمدن را در خاورزمین و باخترزمین ذکر می‌کند و حق وطن را بر ساکنان وطن بر می‌شمارد.

[8]) الأعمال الکاملة لرفاعة رافع الطهطاوی (السیاسة والوطنیة والتربیة) الجزء الثانی، ص 116

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ

وطن‌دوستی آن‌قدر در اندیشه طهطاوی ریشه دارد که حرمت آن را مثل حق شیر مادر می‌داند و در سروده‌ای میهنش مصر را چنین توصیف می‌کند: «فمصر ما أجلّها /الکل یهوی وصلها/ فإن رنت عین لها / نفقوها بالإصبع»؛ «مصر چه بزرگ است که همه دل‌داده آن‌اند و وصل او را خواهان‌اند. اما اگر چشمی به‌بدی به آن بنگرد، آن را با انگشتان خویش می‌کشیم».[9]

2-4. آزادی از دیدگاه طهطاوی:

او آزادی را چنین تعریف می‌کند: «رخصة العمل المباح من دون مانع غیر مباح ولامعارض محظور، فحقوق جمیع أهالی المملکة المتمدنة ترجع إلی الحریة...» *(عمارة،2010،ج2 : 505)*؛ «آزادی یعنی رخصت بودن کار روا، بدون کدام مانع ناروا و مخالفت قدغن شده؛ بنابراین حقوق همه ساکنان سرزمین متمدن، معطوف به آزادی می‌باشد».

او از پنج قسم آزادی این‌گونه صحبت می‌کند: آزادی طبیعی، سلوکی، دینی، مدنی و سیاسی؛ و او باور دارد که با درنظر داشت مفاهیم یاد شده «إن الحریة هی الوسیلة العظمی فی إسعاد أهالی الممالک» *(عمارة، ،ج2010، ج2: 507)*؛ «آزادی بزرگ‌ترین وسیله برای نیکبخت ساختن اهالی کشورها، می‌باشد».

طهطاوی باورمند است انسان آزاد بر حمایت میهن خود توانایی دارد، اما کسی که آزادی ندارد، این توانایی دفاع از میهن نیز از او سلب می‌گردد. طوری که می‌نویسد: «إن العدو الذی یتعدی بالإغارة علی بلد من البلاد یجب علی أهلها قتاله وسده عنها، وماذاک فی الحقیقة إلا لحمایة الحریة»؛ «هرگاه دشمن بر شهری از شهرها می‌تازد و یورش می‌برد، بر اهالی آن شهر است تا در برابر یورش‌گر و متجاوز دست به نبرد زنند و در راه آن، مانع ایجاد کنند، باید دانست که این دفاع در حقیقت برای حمایت آزادی است».

او به محتوای اقتصادی آزادی نیز باور دارد و می‌گوید که: بزرگ‌ترین نوع آزادی در کشور متمدن، آزادی کشاورزی، تجارتی و صنعتی است. طهطاوی سیاست را ارج می‌گذارد و با صراحت می‌گوید: «لو لا السیاسة ما قامت لنا دول و کان أضعفنا نهبا لأقوانا»؛ «یعنی سیاست از دیدگاه طهطاوی باعث می‌گردد تا ناتوانان ومستمندان، مورد چور و چپاول زورمندان قرار نگیرند». طهطاوی باربار از کار و آزادی‌های گوناگون و عدالت یادآور شده، در جمله مشهوری چنین می‌گوید: «أن منبع السعادة الأولی هو العمل و الکد وإن أعظم حریة فی المملکة المتمدنة هی حریة الفلاحة والتجارة والصناعة و العدل أساس الجمعیة التأنسیة (المجتمع الإنسانی)»؛ «سرچشمهٔ نخستینِ خوشبختی، کار، تلاش و عرق‌ریزی است و بزرگ‌ترین آزادی هم در کشور متمدن آزادی کشاورزی، بازرگانی و صنعتی است و عدالت هم شالوده جامعه انسانی».

2-5. دیدگاه او راجع به تفکیک قوا:

از دیدگاه طهطاوی در جامعه دو نیرو وجود دارد: 1. القوة المحکومة؛ 2. القوة الحاکمة - نیروی حاکم و نیروی محکوم. رابطه این دو نیرو توسط سه سلطه دیگر تنظیم می‌گردد که ارکان حکومت یا قوای حکومت خوانده می شوند و عبارت‌اند از: قوه تقنینی، قوه قضایی و قوه تنفیذ یا اجرایی. طهطاوی در شرح آن می‌نویسد: «إن هذه القوی الثلاثة ترجع إلی قوة واحدة هی القوة الملوکیة لابد و أن تکون مشروطة بالقوانین، أی مقیدة بالدستور والقانون...»؛ این قوای سه‌گانه به نیروی واحدی بر می‌گردد که آن نیروی پادشاهی است و بایست مشروط[10] به قوانین یعنی مقید به‌دستور و قانون باشد.

طهطاوی مصری‌ها را به بهره‌گیری از ثروت اروپا در وضع قوانین فراخواند و حتی طوری که در بالا گفته شد قانون مدنی فرانسه یا کود ناپلیون را به زبان عربی ترجمه کرد تا دستگاه قضایی مصر از آن بهره ببرد.

2-6. دیدگاه راجع به تاریخ:

رفاعه طهطاوی از تاریخ این گونه برداشت دارد: «...أن التاریخ قوة من قوی الحساب المعنوی للملوک والحکام»؛ یعنی «تاریخ نیروی محاسبه‌گر معنوی‌ای است برای شاهان و فرمان‌روایان». از همین رو، او فرزندان امیران و

---

[9]) خوانش این سروده، در حافظهٔ بعید من، ترانه‌ای را در سلسلهء بارورکردن اندیشهء وطن‌دوستی و استقلال‌خواهی تداعی می‌کند که در صنف اول مکتب ابتدایی آن را با شوق تام در مکتب و خانه، زمزمه می‌کردیم و حظ می‌بردیم:

گر به قصد خاک ما دشمن ناپاک مـا
پیش آیـد یک قـدم مـی کنیم پایش قلم
می بُریم پاهای او
می بُریم پاهای او
گر به سوی خاک ما گر به سوی خاک ما
دشمن بیـدادگـر تـیـز بیند یک نظر
می کَشیم چشمان او
می کَشیم چشمان او

[10]) هدف رفاعه طهطاوی از مشروط، همانا حکومت شاهی مشروطه است که سال ها قبل از آن که در افغانستان و فارس روی آن بحث شود، طهطاوی بعد از برگشت از فرانسه ،آن را اعلام داشته است. همچنان در بسا کشورهای شرقی، سال‌ها بعد، نظریهء تفکیک قوا، پا و جان گرفت.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ

سلاطین را به فراگیری و مطالعه تاریخ فرا می‌خواند و حتی می‌گوید: «فالتاریخ عمر ثان للناظرین فمن تعلمه فکأنما زاد فی عمره وأحسن عاقبة أمره»؛ «مطالعه تاریخ، عمر دوباره است برای مطالعه کنندگان، کسی که تاریخ بیاموزد، مثل این است که در عمرش افزوده باشد و عاقبت کارهای خویش نیکو گرداند».
فرمان‌روایان را در دولتداری و رسیدن به حال رعیت، با اندرز گرفتن از رویدادهای تاریخی، چنین تشویق می کند: «فإن من ملک أحرارا طائعین کان خیرا ممن ملک عبیدا مروعین» *(عمارة، 2010،ج1: 738)*. «هرگاه زمامداری بر آزادگانی مطیع و فرمان‌بر، حکومت کند، بهتر است از این‌که او بردگان و بندگانی داشته باشد که همیشه در حالت بیم و دلهره به‌سر برند».

2-7. افکار و اندیشه‌های او راجع به آموزش و پرورش:

طهطاوی زمانی که در ازهر تحصیل می‌کرد و بعدها که به صفت مدرس در آن دانشگاه مشغول شد و یا در ارتش به صفت امام و واعظ ایفای وظیفه می‌کرد به ارزش و نقش آموزش‌وپرورش در جامعه واقف بود؛ اما سفر او به پاریس و بازدید و مطالعه آموزشگاه‌های فرانسه، او را بیشتر متوجه این عرصه کرد و قدر دانشمندان و مجامع ایشان توجه او را به خود جلب کرد، از همین‌رو، در سفرنامه اش نوشت: " إن للعلماء فی مدینة باریس لهم مجامع عظیمة تسمی بأسماء مختلفة، منها ما یسمی«أکدمة» ومنها ما یسمی «مجمعاً» او «مجلساً» و «الأنسطیطوت» عندهم اسم عام یشمل علی جمیع اجتماع «الأکادمات» أی المجالس الخمس، وهی «أکدمیة اللغة الفرنساویة» و « أکدمیة العلوم الأدبیة ومعرفة الأخبار والآثار» و «أکدمیة العلوم الطبیعیة والهندسیة» و « أکدمیة الفلسفة».." [11]
" دانشمندان در شهر پاریس مجامع بزرگی دارند و دارای نام‌های گوناگونی اند، از جمله برخی «اکادمی» یا «مجمع» و یا «مجلس» نامیده می‌شود و « انستیتیوت» نام عامی است اجتماع همه اکادمی‌ها یا مجلس‌های پنجگانه را در بر می‌گیرد که عبارت اند از : اکادمی زبان فرانسوی، اکادمی علوم ادبی، معرفت اخبار و آثار باستانی، اکادمی علوم طبیعی و هندسی و اکادمی فلسفه.."
طهطاوی با این شناخت دقیق از فرانسه و توجه به پیشرفت علوم در آن دیار ، بعد از برگشت به مصر، در زمان محمدعلی پاشا و پسرش ابراهیم پاشا، گام‌های بلندی در این ساحه برداشت. فقط در دوران کوتاه خدیوی عباس اول که او به سودان تبعید گردید، عقب‌گردی در پروسه آموزش‌وپرورش در مصر پدیدار گشت؛ اما آن‌گاه که در سال ۱۸۶۳م خدیو اسماعیل بر سریر حکم تکیه زد، فعالیت‌های طهطاوی بیشتر گردید. این دوران که دهه واپسین زندگی رفاعه طهطاوی را احتوا می‌کند، در پهلوی علاقه قلبی طهطاوی به خدمت‌گزاری، نقش خدیو اسماعیل را نیز نمی‌توان انکار کرد. خدیو اسماعیل خودش تحصیل یافته فرانسه بود و به‌ترویج علوم جدید توجه فراوانی داشت. در عهد خدیو اسماعیل «دیوان مدارس» که در حقیقت کارهای وزارت آموزش‌وپرورش را به پیش می‌برد، دو باره احیا گردید و طهطاوی به‌حیث عضو دایم آن گماریده شد که یکی از کارهای طهطاوی در این دوران، گشایش مدارس جدید بود؛ افزن برآن، سرپرستی از مدارس غیرحکومتی و زیر نظر قراردادن روش تدریس زبان عربی و انجمن تألیف و ترجمه کتب نیز به او واگذار شده بود.
تلاش‌های طهطاوی باعث شد تا زبان «عربی» به‌مثابه یگانه زبان رسمی در مصر شناخته شود؛ زیرا قبلاً زبان ترکی ، زبان رسمی شناخته می‌شد و جریده رسمی «الوقائع المصریة» به‌زبان ترکی و ترجمه آن به‌زبان عربی رکیک صورت می‌گرفت، با تلاش‌های طهطاوی، زبان عربی به جایگاه اصلی و واقعی‌اش در مصر تکیه زد. درس در مکاتب و مدارس مجانی شد. شمار مدارس که در سال 1863 به 185 باب بالغ می‌گردید، در سال 1875م یعنی دوسال بعد از وفات طهطاوی به بیش از چهارهزار باب مدرسه رسید.
در گزارشی «تیودور رتستین» قونسل انگلیس در قاهره از پیشرفت تعلیم و تدریس در میان ارتش مصر چنین گزارش داد: در سال 1872 در تمام ارتش مصر فقط 42 تن بیسواد وجود دارد، دیگران همه از نعمت سواد برخوردارند.
ازسوی دیگر بودجه تعلیمی که در عهد فرمانروایی سعید پاشا به شش هزار پوند مصری می‌رسید، در دوران زمامداری اسماعیل پاشا به هشتاد هزار پوند بالغ گردید. طهطاوی در پهلوی کمیت آموزش به کیفیت آن نیز باورمند بود و معارف ابتدایی را برای همه انسان‌ها ضروری می‌دانست. او بود که در کتابش «المرشد الأمین» نوشت: «معارف ابتدایی که همه افراد انسانی در دست یافتن به آن مشترک‌اند عبارت‌است از خواندن و نوشتن، به‌شمول آن‌چه بایست در مسائل دینی به آن آشنا بود. اصول حساب را نیز باید فراگرفت. شناوری و سوارکاری را نیز باید آموخت. تیراندازی و فن نیزه بازی و کاربرد شمشیر را نیز باید فرا گرفت...».
طهطاوی ضمن تیوری‌های تربیتی‌اش از اولیای کودکان می‌خواهد تا مطابق میل و استعداد کودکان‌شان، ایشان را به آموزش تشویق کنند. طهطاوی به حدیث شریف «کل میسر لما خلق له»[12] استدلال نموده می‌گوید که هرکسی

---

[11]) تخلیص الإبریز ص 194

[12]) جزء حدیث شماره 4629 وارد شده در سنن ابو داود ، ج7 ص 215. حدیث مبارک یاد شده با عبارت « اعملوا کل میسر لما خلق له " به روایت از حضرت علی در حدیث شماره 2/2737 در صحیح مسلم درج شده است . همچنان در حدیث شماره 6596 صحیح البخاری به روایت از عمران بن حصین به این عبارت آمده است : " کل یعمل لما

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

برای کاری ساخته شده است. وی می‌افزاید هرگاه طفل به آموزش آن رشته‌ای که علاقه ندارد مجبور گردد، موفقیتی به‌دست نمی‌آورد.
طهطاوی با شیوه طبقاتی بودن آموزش نیز مخالفت داشت. در گذشته‌ها می‌گفتند پسر دهقان، دهقان بار بیاید و پسر رویگر، رویگر و از نجار، نجار بار بیاید؛ اما طهطاوی که این روش طبقاتی را نمی‌پسندید و باور داشت که هرکس طبق میل و استعدادش به آموزش و پرورش رو آورد، اگرچه مخالف پیشه پدری و پیشینه خانوادگی‌اش هم باشد. طهطاوی راجع به اهمیت آموزش و پرورش می‌گوید: «إن الأمة التی تتقدم فیها التربیة بحسب مقتضیات أحوالها، یتقدم فیها أیضا التقدم والتمدن علی وجه تکون به أهلا للحصول علی حریتها بخلاف الأمة القاصرة التربیة فإن تمدنها یتأثر بقدر تأخر تربیتها فالتربیة هی أساس الانتفاع بأبناء الوطن...»؛
«ملتی که در آن بر حسب اقتضای احوالش تعلیم و تربیت پیشرفت کند، تمدن و شکوفایی نیز در میان چنین ملتی پیشرفت می‌کند؛ و به‌گونه‌ای که او توانایی دست‌یافتن به آزادی را نایل می‌گردد؛ بر خلاف ملت‌هایی که دارای تربیت ناقص‌اند و پیشرفت ایشان نیز از کاستی تربیت‌شان اثرپذیر می‌گردد. زیرا تربیت، بنیاد بهره‌گیری فرزندان یک سرزمین است.»
طهطاوی به تعلیم و تربیت - آموزش و پرورش – آن‌قدر ارزش قایل است که می‌گوید: «والتعلیم الأولی ضروری لسائر الناس یحتاج إلیه کل إنسان کاحتیاجه إلی الخبز والماء»؛ «انسان به کسب تعلیم ابتدایی، به‌مثابه آب و نان، نیاز دارد». طهطاوی برای این‌که واژه عالم و دانشمند را به مصریان ذهن‌نشین کند، راجع به لقب دانشمند در فرانسه چنین می‌گوید: «وأما ما یطلق علیه اسم العلماء فهو من له معرفة فی العلوم العقلیة ومعرفة العلماء فی فروع الشریعة النصرانیة هیّنة جدا، فإذا قیل فی فرانسا: هذا الإنسان عالم، لایفهم منه أنه یعرف فی دینه، بل إنه یعرف علما من العلوم الآخر»؛ «لقب عالم در فرانسه به کسی اطلاق می‌گردد که در علوم عقلی معرفت داشته باشد. شناخت علما در فرانسه به شریعت نصرانی اندک است، از همین‌رو، وقتی که در فرانسه گفته شود این شخص عالم است، از آن عبارت چنین فهمیده نمی‌شود که او در مسایل دینی معرفت دارد؛ بلکه مفهوم آن این است که او علوم دیگر را می‌داند».

2-8. نقش فرد در جامعه:

رفاعه به‌مثابه دانش‌آموختهٔ «ازهر» و دانش‌آموختهٔ پاریس، با درک حقوق و وجایب فرد در آیین اسلام و قوانین وضعی، راجع به نقش فرد در جامعه، استوار بر اندوخته‌های دینی‌اش و با تجربه‌ای که در سفر و آموزش در فرانسه فرا گرفته است، چنین می‌گوید: «ولما کان من الواجب علی کل عضو من أعضاء الوطن أن یعین الجمعیة – یقصد المجتمع- بقدر الاستطاعة ویبذل ما عنده من رأس مال البضاعة لمنفعة وطنه العمومیة وینصح لبلاده ببث ما فی وسعه من المعلومیة». «از آن‌جایی که بر هر فرد از افراد وطن واجب است تا به جامعه خویش در حد توان بشری مدد رساند، و آن‌چه از ثروت و سرمایه دارد در راه سود همگانی وطنش به کار گمارد و با پخش آن‌چه از آگاهی و اندوخته علمی دارد، برای میهنش اندرزده و نصیحت‌گر باشد».
رفاعه به مساوات و برابری میان شهروندان باور داشته و خواهان برابری فرصت‌ها برای افراد جامعه است تا هرکس به حد توان خود در جامعه، نقش خود را ایفا کند. از رفاعه می‌شنویم که می‌گوید: «أما التسویة بین أهالی الجمعیة، فهی صفة طبیعیة فی الإنسان، تجعله فی جمیع الحقوق البلدیة کإخوانه، وهی جامعة للحریة المدنیة والحریة الملکیة وذلک لأن جمیع الناس مشترکون فی ذواتهم و صفاتهم، فکل منهم ذو عینین وأذنین ویدین وشم وذوق ولمس، وکل منهم محتاج إلی المعاش، فبهذا کانوا جمیعاً فی مائدة الحیاة الدنیا علی حد سواء، ولهم حق واحد فی استعمال المواد التی تصون حیاتهم، فهم مستوون فی ذلک، لا رجحان لبعضهم علی بعض فی میزان المعیشة». «برابری میان افراد جامعه، صفت طبیعی در انسان است که او را در همه حقوق شهروندی مانند بنی‌نوعش برابر می‌داند و این حقوق آزادی‌های مدنی، آزادی ملکیت فردی را احتوا می‌کند؛ زیرا همه مردم در ذات و صفات‌شان با هم برابرند. همه دوچشم دارند و دو گوش و دو دست و دارای حواس شامه، ذایقه و لامسه و هرکدام از ایشان به امور معیشتی نیازمنداند, از همین‌رو، ایشان همه در خوان(سُفره) زندگی دنیا یکسان شریک اند، و ایشان در کاربرد موادی که زندگی‌شان را نگه‌دارد، دارای حق مسلم‌اند، هیچ‌کس در میزان زندگی بر دیگری رجحان و برتری ندارد».

2-9. مقام زن:

پروفیسور دکتور محمدعماره دانشمند و پژوهشگر شهیر مصری که میراث فکری رفاعه طهطاوی را عمیقاً مطالعه کرده و میراث مکتوب او را در پنج مجلد و در بیش از 3600 صفحه به چاپ رسانده است، راجع به فعالیت‌های طهطاوی در فرانسه می‌نگارد: طهطاوی هنگامی که در پاریس به‌سر می‌برد، کتاب «لمحهٔ تاریخی از اخلاق و عادات ملت‌ها» اثر مسیو دیپنگ[13] را که طهطاوی آن را باعنوان «قلائد المفاخر فی غریب عوائد الأوائل

خلق له، أو: لما یسر له." و در هردو در «کتاب القدر» درج شده است. و کتاب «الحاوی فی تخریج أحادیث مجموع الفتاوی للإمام شیخ السلام تقی الدین ابن تیمیة» آن را در شماره 1259 آورده است.

[13] (Georg Bernhard Depping

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ

والأواخر» [14] از زبان فرانسه به عربی ترجمه کرد. در ترجمه، تنها نقش مترجم را ایفا نکرد؛ بلکه در آن افزودهایی هم به‌عمل آورد و بر آرای نویسندهٔ کتاب، تبصره‌ها و تعلیقاتی نیز نگاشت و افزون بر اضافات، اشتباهات نویسنده را نیز اصلاح کرد. از جمله عباراتی که طهطاوی در برابر بیان موقف برخی ملت‌ها در برابر زنان، اضافه کرد یکی هم این عبارت است که گفت:
«.... کلما کثر احترام النساء عند قوم کثر أدبهم وظرافتهم فعدم توفیة النساء حقوقهن، فیما ینبغی لهن الحریة فیه، دلیل علی الطبیعة البربریة» *(عمارة، 2010،ج1 : 255)*. یعنی هر قدر احترام به زنان در نزد ملتی بیشتر شود، ادب و ظرافت ایشان بیشتر می‌گردد. زیرا نرسیدن و دست نیافتن زنان به حقوق‌شان [در میان ملتی] در آن‌چه به آزادی‌های‌شان پیوند می‌یابد، در حقیقت دلیلی است بر طبیعت بربری و وحشی آن ملت.
رفاعه در ایامی که در فرانسه می‌زیست به نتیجه بالا دست یافته بود و این حرف از دانش‌آموختهٔ ازهر و در دهه سوم قرن نزدهم میلادی حرف مترقی و پیشرفته‌ای به‌شمار می‌آید. ازهمین‌رو وقتی که عضویت انجمن عالی آموزش را در قاهره به‌دست آورد، از پیشنهادهایش به انجمن یادشده در 1836م یکی هم «تلاش برای آموزش زنان در مصر» بود که رفاعه طهطاوی در میان اقران در جهت تلاش‌های خستگی‌ناپذیر در راه این هدف، یک سر و گردن از دیگران بالاتر بود و یکی از کارهای ماندگار او که برای سال‌ها، نخستین گام به‌حساب می‌آمد؛ نگارش کتاب مشهور او به‌نام «المرشد الأمین للبنات والبنین» است که نظریات پکرش را در بارهٔ آموزش پسران و دختران، در آن مطرح کرد. این کتاب تاثیر فراوانی در دربار مصر به جا گذاشت که حتی یک سال بعد از چاپ آن کتاب در سال 1873م « چشم آفت خانم»[15] یکی از همسران خدیو اسماعیل مدرسه دخترانه ای را در قاهره تاسیس کرد که بلاریب نتیجهٔ نشر کتاب « المرشد الأمین للبنات و البنین» اثر رفاعه طهاوی بود.
پروفیسور دکتور عماره راجع به موقف و دیدگاه طهطاوی در مسألهٔ آموزش زنان می‌نویسد:
«... أن الموقف الذی وقف الطهطاوی فی هذه القضیة منذ قرنین، لا زال هو الموقف المتقدم، بل والثوری، إذا ما قیس بالآراء التی لا زالت حتی الیوم تقف موقف العصور الوسطی فی هذا الموضوع» *(عمارة، 2010، ج1: 256)*. «موقفی که طهطاوی در قضیهٔ زنان دو قرن قبل اتخاذ کرد، اگر با نظریاتی که تا امروز موجود است مقایسه گردد، تاکنون نه تنها موقف پیشرو، بلکه انقلابی نیز جلوه می‌کند. [در مقایسه] با نظریات کسانی که دیدگاه های قرون وسطایی در این مورد دارند».
رفاعه به برابری میان زنان و مردان در آموزش باورمند بود و به این برابری در حق کار میان هردو جنس نیز اذعان داشت. او بود که با صدای رسا اعلام کرد:
«...وإذا کانت البطالة مذمومة فی حق الرجال فهی مذمومة عظیمة فی حق النساء» *(عمارة، 2010 ،ج1: 265)* « هرگاه بیکاری برای مردان بد باشد، برای زنان بدتر است».
طهطاوی به مساوات میان مردان و زنان در حق آموزش و حق کار تأکید کرد. او این حرف‌ها را دو قرن قبل در محیطی می‌گفت که در جوامع مسلمانان، آموزش نوشت و خوان را برای زنان تحریم می‌کردند تا مبادا زنان برای دلداده‌های خویش، نامه‌های عاشقانه بنویسند!. حرف جالب توجه در اندیشه‌های طهطاوی در پیوند به حقوق زنان اعتراف به عشق و محبت و رغبت دختران است. طهطاوی در باب هفتم، فصل سوم کتابش «المرشد الأمین للبنات و البنین» از پدران و مادران چنین تقاضا می‌کند:
«من أحسن الإحسان إلی البنات تزویجهن إلی من هوینه و أحببنه. » *(عمارة، 2010، ج2، :852)* . از بزرگ‌ترین احسان و نیکویی به دختران این است تا به‌کسی به ازدواج داده شوند که ایشان با او عشق می‌ورزند و آن مرد را دوست دارند.!
رفاعه طهطاوی در زمانی می‌زیست که چندهمسری یا تعدد زوجات برای بزرگان امر ناگزیری محسوب می گردید، به‌ویژه برای شخصی چون طهطاوی که با رأس نظام رابطه داشت و در جامعه و محیط مورد شناخت بود و حتی از نگاه مادی«مالک 1600 جریب زمین بود» *(عمارة، 2010،ج1: 110)*؛ به‌شمول یک باغ بزرگ 36 جریبه در قاهره که یکی از زمامداران مصر به او تحفه داده بود؛ اما به تعدد زوجات و گرفتن کنیز میلانی نداشت و «تک‌همسری» را بهتر می‌دانست و نشانه‌ای از عدالت و حتی با همسرش تعهد کتبی نموده بود که جز او با زن (اعم از زوجه و کنیز) دیگری آمیزش نخواهد کرد. [16]

---

[14]) نام فرانسوی کتاب چنین بود Aperçu historique sur les mœurs et coutumes des nations که در سال 1826 م در پاریس به چاپ رسیده بود.
[15]) رفاعة الطهطاوی زعیم النهضة الفکریة فی عصر محمد علی،ص 63

25) متن کامل عربی تعهدنامهء رفاعه طهطاوی با همسرش کریمه دختر شیخ محمد فرغلی انصاری چنین است:
«التزم کاتب الأحرف رفاعة بدوی رافع لابنة خاله المصونة الحاجة کریمة بنت العلامة الشیخ محمد الفرغلی الأنصاری أن یبقی معها وحدها علی الزوجیة دون غیرها من زوجة أخری او جاریة أیّا ما کانت و علق عصمتها علی أخذغیرها من نساء او تمتع بجاریة أخری..فإذا تزوّج بزوجة أیا ما کانت بنت خاله بمجرد العقد خالصة بالثلاثة و کذلک إذا تمتع بجاریة ملک یمین، ولکن وعدها وعداً صحیحاً لا ینقض ولاینحل أنها ما دامت معه علی المحبة المعهودة مقیمة

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

پروفیسور عماره با تحسین و شرح موقف‌گیری‌های رفاعه طهطاوی می‌نگارد:
«فنحن هنا أمام شيخ يفهم تراث الإسلام فهما مستنيرا..أمام مصلح يناضل كي يحرر المرأة الشرقية من أغلال الجهل...وأكثر من ذلك أمام إنسان متحضر في نظرته للمرأة...قد امتزج في عقله الفهم المستنير للتراث، بحرص المصلح على نهضة المرأة، بالذوق المتحضر للإنسان الحديث...» *(عمارة،2010: 262-263)*. «ما اینک در برابر شیخی قرار داریم که از میراث اسلام، برداشت و فهم روشنی دارد. ما در برابر مصلحی قرار داریم که مبارزه می‌کند تا زنِ خاورزمین از زنجیرهای بی‌دانشی رهایی یابد. بالاتر از آن ما در برابر انسانی قرار داریم که به زن دیدگاه متمدنانه دارد. او کسی بود که در خرد او، فهم روشن از آموزه‌های اسلام با حرص مرد اصلاح‌گری برای پیشرفت زنان، مزج و خلط شده بود، شخصیتی با ذوق متمدنانه برای زندگی انسان نوین...».

2-10. درس‌هایی از زندگینامه رفاعه طهطاوی:

تلاش‌ها و فعالیت‌های رفاعه طهطاوی در مصر، با تلاش‌ها و فعالیت‌های نخستین وزیر خارجهٔ میهن ما محمود طرزی (1865-1933) در افغانستان، مشابهت‌هایی با هم می‌رساند. شاید هم طرزی از آثار و کارنامه‌های رفاعه اثرپذیر شده باشد. هر دو آغازگر بیداری و آگاهی‌دهی به ملت‌های خویش بودند. به ترجمه و نشر و چاپ کتاب، جهت خلق معلومات و آگاهی جدید به مردم خویش، همت گماشتند. نشر روزنامه، کتاب و جریده را یکی از راه‌های پخش معارف می‌دانستند تا ملت‌های شان از عقب‌ماندگی رهایی یافته و با کاروان تمدن هم‌رکاب گردند. برخی از نکته‌های بارز زندگی سراسر افتخار طهطاوی عبارت است از:

1. نوشتن سفرنامه از ماندگارترین کارهایی بود که طهطاوی توسط آن، مردم مصر و جهان عرب را با تمدن غربی آشنا ساخت. طهطاوی در این کتاب با همه آن‌چه در فرنگ بر خورده بود با جزئیات و عبارات قابل فهم و درک به مردم خویش انتقال داد. سفرنامه طهطاوی نه تنها برای عربی‌زبانان جالب توجه بود و از دنیای دیگری اطلاع می‌یافتند؛ بل غربیانی که بخواهند راجع به دوقرن قبل غرب و فرانسه، پژوهشی انجام دهند، لابد به برگ های سفرنامه رفاعه طهطاوی به‌مثابه رویکرد قابل اعتماد، بایست مراجعه کنند.

2. عودت به وطن پس از پایان یافتن مرحله آموزشی در غرب، مزیت دیگری بود که طهطاوی با عزم جزم آن را انجام داد. چه بسا از شخصیت‌هایی که وقتی از شرق به خارج کشورهای شان سفر کردند، بار دیگر به وطن خویش عودت نکردند و ملت‌های خود را از تجارب و آموخته‌های خود محروم ساختند؛ اما طهطاوی با برگشت به مصر، کوله بار عظیمی از تجربه را انتقال داد که جهان عرب اینک در حدود دو قرن از آن نبشته‌ها، اندیشه‌ها و رهنمودها بهره می‌برد.

3. انتقال دانش به دیگران؛ زیرا طهطاوی افزون بر استفاده از آن‌چه خود او آموخته بود، با نبشتن و تألیف و ترجمه و چاپ و نشر کتاب‌های فراوان، دست به بیدارگری زده و نبشته‌های او در سلسله آگاهی‌بخشی در شرق، نقطه عطف به‌شمار می‌رود.در حالی که متخصصان و پژوهشگران هم‌میهن ما که در بیرون از کشور، دانش آموختند، زبان‌های خارجی را یاد گرفتند و به مدارج بالای علمی دست یافتند، اما متأسفانه، حتی پایان‌نامه‌های علمی و پژوهشی دکتری و ماستری و کارشناسی خویش را که به زبان‌های خارجی نوشته‌اند، به زبان‌های مردم افغانستان ترجمه نکرده‌اند، تا هم‌میهنان‌شان از محتویات آن رساله‌ها و پژوهش‌ها، استفاده شایان نمایند.

در پایان باید یادآوری کرد که مجموعه آثار رفاعه طهطاوی را پروفیسور دکتور محمد عماره - متولد سال 1931م- دانشمند کثیر التألیف جمهوری عربی مصر، در پنج جزء و در بیش از 3600 صفحه جمع‌آوری نموده که در سال2010م از طرف مکتبة الأسرة (کتابخانه خانواده) تحت رعایت بانوی نخست مصر «سوزان مبارک» تحت شعار «القراءة للجميع» (خواندن برای همه) به چاپ رسیده است و می‌سزد که دانشجو یا دانشجویانی در افغانستان این مجموعهٔ وزین و گران‌سنگ را به‌صورت مفصل‌تر به معرفی بگیرند و از متن نبشته‌های رفاعه طهطاوی، یافته‌های جدیدی را به هموطنان عزیز پیشکش کنند.

(پایان)

تاریخ نگارش: 10 حوت 1398 هجری خورشیدی(29 فبروری 2020م)
کابل – کارتهٔ سخی

على الأمانة والحفظ لبيتها ولأولادها ولخدمها ولجواريها ساكنة معه في محل سكناه لن يتزوج بغيرها أصلاً ولايتمتع بجوار أصلاً ولايخرجها من عصمته حتى يقضي الله لأحدهما بقضاء.

هذا ما انخطت عليه العهود وشهد الله سبحانه وتعالى بذلك وملائكته ورسله و إن فعل المذكور خلافه، كان الله هو الوكيل العادل للزوجة المذكورة يقتص لها منه في الدنيا والأخرة. هذا ما انخط عليه الاتفاق وكذلك إن اتعبته فهي الجانية على نفسها. (رفاعة بدوي رافع) 14 شوال 1255 هـ{ق}

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ

منابع و مآخذ

1- صحیح البخاری با ترجمۀ فارسی، جلد هفتم، مترجم عبدالعلی نور احراری، ناشر شیخ الاسلام احمد جام، تربت جام ، چاپ دوم 1391 ش
2- صحیح مسلم، الإمام ابوالحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، تحقیق و دراسة مرکز البحوث وتقنیة المعلومات، المجلد السابع ، دارالتأصیل، القاهرة- مصر، الطبعة الأولی، 1435ق (2014م)
3- السنن للإمام ابیداود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، دارالتأصیل ، القاهرة- جمهوریة مصر العربیة،1436 ق (2015م)
4- الحاوی فی تخریج أحادیث مجموع الفتاوی للإمام شیخ الإسلام تقی الدین ابن تیمیة، تخریج: مجدی بن منصور بن سید الشوری ، دارالکتب العلمیة، بیروت – لبنان، الطبعة الأولی 1415ق (1995م)
5- عماره، محمد،(2010)، **الأعمال الکاملة لرفاعة رافع الطهطاوی؛ دراسة وتحقیق**، چاپ قاهره. دارالشروق.

این مجموعه مشتمل است بر پنج جزء ، به این شرح:
الف- الجزء الأول(التمدن والحضارة والعمران) شامل: 1- تمهید و 2- کتاب مناهج الألباب المصریة فی مباهج الأب العصریة، در 746 صفحه
ب- الجزء الثانی (السیاسة، الوطنیة والتربیة) شامل 1- کتاب تخلیص الإبریز فی تلخیص باریز و 2- کتاب المرشد الأمین للبنات و البنین در 786 صفحه
ج- الجزء الثالث- (تاریخ مصر والعرب قبل الإسلام) شامل کتاب"أنوار توفیق الجلیل في أخبار مصر وتوثیق بني إسماعیل" این کتاب در چهار مقاله و 763 صفحه نگاشته شده است.
د- الجزء الرابع (سیرة الرسول و تاسیس الدولة الإسلامیة) در 742 صفحه
هـ - الجزء الخامس (فی الدین واللغة والأدب) شامل کتاب های 1- القول السدید فی الاجتهاد و التقلید2- بقاء حسن الذکر باستخدام الفکر 3- التحفة المکتبیة فی تقریب اللغة العربیة4- جمال الأجرومیة 5- الکواکب النیرة فی لیالی أفراح العزیز المقمرة، در 517 صفحه

6- امین، احمد، (1965)، **زعماء الإصلاح فی عصر الحدیث**، چاپ مکتبة النهضة المصریة، القاهره
7- البدراوی، دکتورزهران، (1983)، **رفاعة الطهطاوی و وقفة مع الدراسات اللغویة الحدیثة مع النص الکامل للتحفة المکتبیة**، چاپ دارالمعارف، قاهره
8- رزق، دکتور یونان لبیب، (2009)، **تاریخ مصر بین الفکر والسیاسة**، چاپ دارالکتب والوثائق القومیة، مرکز تاریخ مصر المعاصر، قاهره
9- شوقی ، امیرالشعراء احمد، (2005)، **الشوقیات**، دیوان امیرالشعرا احمد شوقی، راجعه وضبطه د. یوسف الشیخ محمد البقاعی، چاپ دار الکتاب العربی ، بیروت
10- شیال، جمال الدین (2019) رفاعة الطهطاوی زعیم النهضة الفکریة فی عصر محمد علی ، الناشر: مؤسسة هندوای ، المملکة المتحدة
11- فاضل، فضل‌الرحمن (2016/ 1395ش) زینب، پیام‌رسان قیام کربلا، قاهره – جمهوری عربی مصر
12- فردیناند ووستفیلد و ادوارد ماهلر، (1360)، **تقویم تطبیقی هزار و پانصد سالهٔ هجری قمری و میلادی**،ترجمۀ دکتور حکیم‌الدین قریشی، چاپ فرهنگسرای نیاوران، تهران
13- مبارک، علی‌باشا، (بی‌تا)، **الخطط التوفیقیه**، چاپ قاهره
14- مجدی ، السید صالح (1958) حلیة الزمن بمناقب خادم الوطن؛ سیرة رفاعة رافع الطهطاوی، تحقیق الدکتور جمال الدین شیال، ، شرکة مکتبة و مطبعة مصطفی البابی الحلبی و أولاده بمصر، القاهرة
15- الیاس، انطوان الیاس، (1373)، **فرهنگ نوین عربی**، فارسی، تهران، کتابفروشی اسلامیه

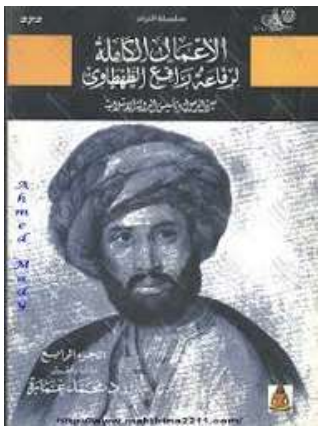

روی جلد جزء چهارم «الأعمال الکاملة» تدوین و تحقیق پروفیسور دکتور محمد عماره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ

متن تعهدنامۀ طهطاوی در برابر همسرش کریمه

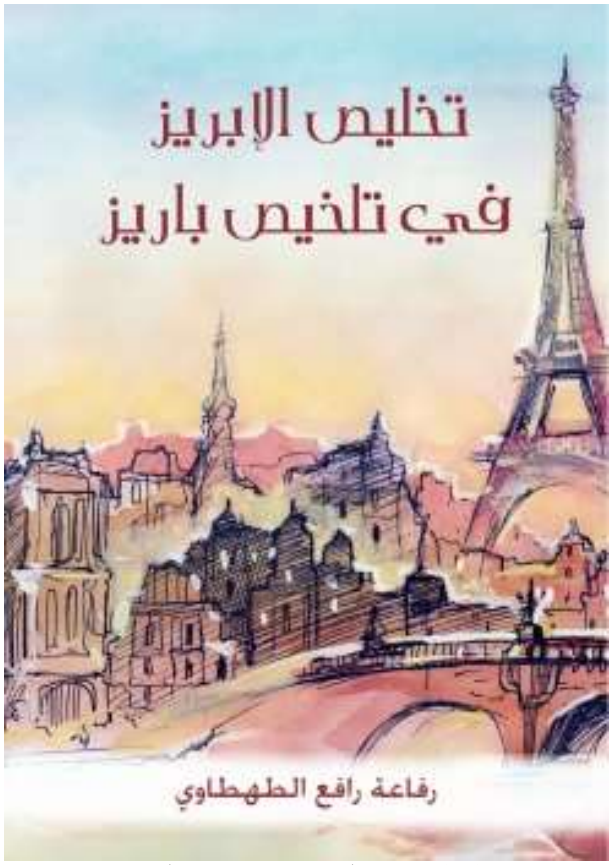

سفرنامۀ طهطاوی {تخلیص الإبریز فی تلخیص باریز}

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ

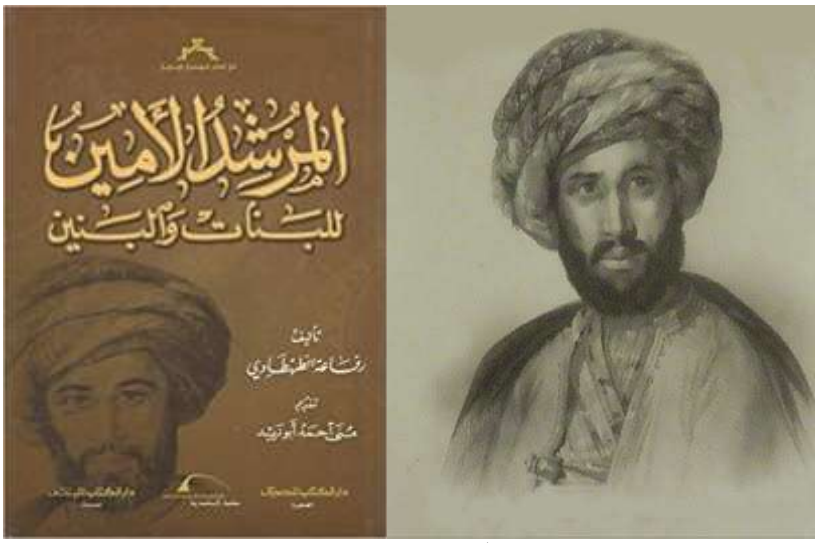

رفاعه رافع الطهطاوی (1801-1873م)

فوتویی از رفاعه رافع الطهطاوی، نشر شده در نشریه آنلاین "العربی الیوم" به تاریخ 20 جنوری 2020م

اداوارد ویلیام لین (1801-1876م)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ

An account of the manners and customs of Modern Egyptians
اثر ادوارد ویلیام لین محقق، جهانگرد و خبیر در ادبیات و رسم و رواج‌های جهان عرب

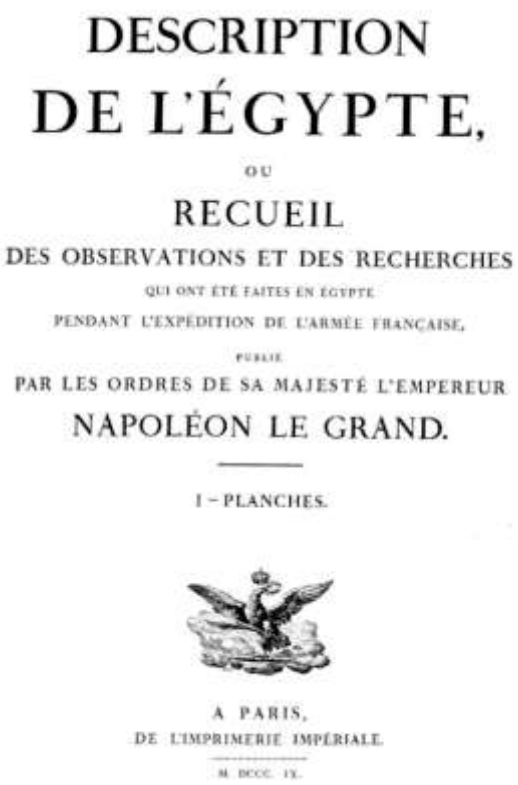
DESCRIPTION
DE L'ÉGYPTE,
OU
RECUEIL
DES OBSERVATIONS ET DES RECHERCHES
QUI ONT ÉTÉ FAITES EN ÉGYPTE
PENDANT L'EXPÉDITION DE L'ARMÉE FRANÇAISE,
PUBLIÉ
PAR LES ORDRES DE SA MAJESTÉ L'EMPEREUR
NAPOLÉON LE GRAND.
I – PLANCHES.
A PARIS,
DE L'IMPRIMERIE IMPÉRIALE.
M. DCCC. IX.

کتاب وصف مصر، جلد نخست، چاپ پاریس 1809 م

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ